



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 2, Issue 4, 2022

A Comparative Look at the Approach of Criminal Jurisprudence and American Human Rights System in Relation to Publicity of the Trials

Morteza Rasteh*¹, Ali Gholami²

1. M.A in Criminal Law and Criminology, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. (Corresponding Author)

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 185-204

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8710-1677

TELL: +989377435104

Email: morteza.rasteh313@gmail.com

Article history:

Received: 02 Aug 2022

Revised: 19 Oct 2022

Accepted: 23 Nov 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

*Judicial Transparency,
Publicity of the Trials,
Mechanism, Criminal
Jurisprudence, American
Human Rights System.*

ABSTRACT

It is not enough to simply implement criminal laws, But the performance of the courts during the proceedings should be such that the litigants and public opinion clearly feel justice. Based on this, Publicity of trials as a means of realizing judicial transparency and a manifestation of fair trial is justified by the argument that public control will minimize the grounds of injustice in the criminal justice system and will help to realize the sense of justice in the course of criminal proceedings. In criminal jurisprudence, The issue of publicity of the trials has not been stated explicitly, But resorting to the observed behavior of innocents to deal with it, Considering the counsel of jurisprudents and their opinions regarding etiquettes of Islamic judgment, And relying on rational evidence as a major source of judgment revelation, It can be concluded that publicity of the trials in criminal jurisprudence has been accepted. On the other hand, American human rights system has not only accepted the issue of publicity of the trials as a principle and has supported it through the American Convention on Human Rights and its executive and supervisory institutions, including the Inter-American Court of Human Rights, but also this system considers the structure of public hearing to have mechanisms that give meaning to this principle and make it consistent; So that even with the absence of one of these mechanisms, Its real meaning is overshadowed. The current research, Explains the subject under discussion in the framework of criminal jurisprudence and American human rights system.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Rasteh, M & Gholami, A (2022). "A Comparative Look at the Approach of Criminal Jurisprudence and American Human Rights System in Relation to Publicity of the Trials". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 185-204.

مقدمه

ماهیت دادرسی منصفانه در نظام عدالت کیفری، با فهرست قابل توجهی از مؤلفه‌ها احاطه شده است و تنها در صورت پذیرش آنهاست که منصفانه بودن دادرسی قابل تحقق است. یکی از مؤلفه‌های اساسی در این زمینه، «علنی بودن محاکمات» می‌باشد. در این زمینه، اگرچه به نظر می‌رسد نمی‌توان یک شیوه تفصیلی خاص دادرسی را به‌عنوان نظام قضایی اسلامی به‌طور قطع بیان کرد ولی به هر ترتیب، سابقه دادرسی اسلامی تصدیق می‌نماید که اکثر محاکمات در زمان حضرت علی (علیه‌السلام) به‌شکل علنی صورت می‌گرفته است و جلسات دادرسی افراد در مسجد ترتیب داده می‌شد که مردم می‌توانستند به‌راحتی حضور پیدا کنند و آن را مشاهده نمایند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۲/۱۰). همچنین عبارات فقها در بحث آداب قضاوت اسلامی مانند قبح گماردن حاجب برای محکمه (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۷۷/۱۳) و لزوم حضور اهل علم در جلسات محاکمه (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۰/۸)، مشتمل بر مضامینی است که از طریق آن می‌توان چنین نتیجه گرفت که علنی بودن محاکمات در فقه جزایی، غیرقابل‌انکار است و مورد توصیه و پذیرش فقهای اسلامی می‌باشد. علاوه بر این موارد، از جنبه عقلانی نیز اهمیت علنی بودن محاکمه در تضمین حمایت از متهم از طریق نظارت افکار عمومی بر جریان دادرسی از یک سو و تأمین مصالح اجتماعی مانند استقلال و بی‌طرفی قاضی و ترغیب شهود و پیشگیری از جرم از سوی دیگر، لزوم توجه شایسته به آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد. از طرفی نیز، مطالعه منابع متعدد حقوقی مبین آن است که موضوع علنی بودن محاکمات در نظام آمریکایی حقوق بشر نه‌تنها به صراحت بیان شده است بلکه به روش‌های مختلف، مورد حمایت نیز قرار گرفته است. در این راستا، نظام آمریکایی حقوق بشر پی برده است که ترسیم سازوکارها و الگوهایی در زمینه تحقق کامل اهداف دادرسی علنی، ضرورت دارد؛ به‌طوری که با فقدان هر یک از آنها در هنگام برگزاری جلسه رسیدگی، مفهوم واقعی علنی بودن دادرسی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق چنین موضوعی را می‌توان در برخی مقالات مشاهده نمود که دو مورد آن با این مقاله قرابت و سنخیت دارد؛ اول، مقاله «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی» اثر علی خالقی (۱۳۸۳)؛ این مقاله در بخش نخست صرفاً با تمرکز بر اسناد جهانی و منطقه‌ای، به بررسی اجمالی موضوع دادرسی علنی در این اسناد پرداخته است و در بخش دوم، جایگاه این موضوع را در حقوق داخلی و قوانین ایران تبیین نمود. دوم، مقاله «موانع فراروی دادرسی علنی در نظام قضایی ایران؛ با نگاهی بر موانع فقهی، قضایی و فرهنگی» اثر علی حاجی‌پور کندرود (۱۴۰۱)؛ این مقاله یکی از اهداف خود را بر روی بررسی و تبیین موانع فقهی تحقق دادرسی علنی در حقوق ایران متمرکز نمود و تلاش کرده است تا اثبات نماید که با توجه به فقدان اصول و نصوص فقهی مغایر با دادرسی علنی، نمی‌توان مانع فقهی برای این موضوع در نظام قضایی ایران تصور کرد. با این اوصاف، آنچه که سبب تمایز مقاله حاضر از نوشتارهای قبلی است، از یک سو، نگرش ویژه به سوابق شرعی و نظرات فقهای اسلام و برهان عقلی به‌عنوان مبانی فقهی علنی بودن محاکمات و ادله پذیرش آن در فقه جزایی؛ و از سوی دیگر، تبیین نظرات حقوقدانان معاصر و مذاقه در معروف‌ترین قضایا و جدیدترین پرونده‌های مطروحه در کمیسیون و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر که به‌عنوان بازوی اجرایی «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» شناخته می‌شوند، می‌باشد؛ که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است.

در این راستا، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد که رویکرد فقه جزایی و نظام آمریکایی حقوق بشر در رابطه با علنی بودن محاکمات به‌عنوان ابزار تحقق شفافیت قضایی، به چه صورت می‌باشد؟ بنابراین برای پاسخ به سؤال فوق، این مقاله در دو بخش به بررسی جایگاه علنی بودن محاکمات در فقه جزایی و نظام آمریکایی حقوق بشر خواهد پرداخت.

فرآیند اجرایی آن آگاهی پیدا نمایند. یکی از مستندات فقهی قائلین به شناسایی این حق، روایتی است که طی آن حضرت علی (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به فرماندهان نظامی می‌نویسند: «آگاه باشید که شما این حق را بر عهده من دارید که هیچ رازی را جز در خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم و کاری را جز احکام شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم» (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۱۷).

از سوی دیگر، در رابطه با حق دسترسی عموم به اطلاعات قضایی نیز، علنی بودن محاکمات می‌تواند منجر به در دسترس قرار گرفتن اطلاعاتی شود که در صورت انجام محاکمه پشت درهای بسته، در دسترس نخواهند بود. با توجه به سیره و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت علی (علیه السلام) که در مسجد و منظر عموم به قضاوت می‌پرداختند و جلسات دادرسی و محاکمه افراد را در محل‌هایی ترتیب می‌دادند که مردم می‌توانستند به راحتی حضور پیدا کنند، به نظر می‌رسد که شکل اولیه قضاوت در اسلام، علنی است. همچنان که برخی مؤلفان نظام دادرسی اسلامی استنباط کرده‌اند فلسفه جلسات دادرسی در مسجد، رعایت اصل علنی بودن محاکمه و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است که منجر به تحقق شفافیت قضایی خواهد شد (باقرالموسوی، ۱۴۱۹: ۱۱۴). از این رو می‌توان به جرأت گفت که از شاخصه‌های عدالت قضایی امام علی (علیه السلام)، علنی بودن محاکمات است. بهترین شاهد بر این مدعا، قضاوت‌های ایشان در مسجد و جایگاهی به نام «دکه القضاء» می‌باشد که مردم از این طریق می‌توانستند به راحتی در جلسه دادرسی حضور پیدا کنند و آن را مشاهده نمایند (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۴۲/۱۰).

امیرالمؤمنین با این استدلال که مردم حق دارند اجرای عدالت را از نزدیک مشاهده کنند، رفتار شریح که از سوی وی برای عمل قضاوت منصوب شده بود را زمانی که شاید به علت بیماری در منزل خویش به قضاوت نشسته بود ملامت فرمودند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۲۵/۱۸). در این رابطه، امام علی

۱- رویکرد فقه جزایی در رابطه با علنی بودن محاکمات

وجود برخی شواهد تاریخی در خصوص نحوه برگزاری محاکمات در دوران حاکمیت اسلام مانند برگزاری محاکمه در مسجد و تأکید معصومین (علیهم السلام) بر شفافیت قضایی و مشهود بودن اجرای عدالت، بیانگر توجه به محاکمه علنی در شرع مقدس اسلام است. از سوی دیگر، فقهای اسلام (رضوان الله علیهم) در کتبشان برای قضاوت و نحوه تشکیل دادگاه‌ها، آداب و وظایف عدیده‌ای ذکر کرده‌اند. آدابی که فعلش برای قضاوت رجحان دارد و باید مورد توجه آنان واقع شود؛ مانند عدم به‌کارگیری دربان برای محکمه و لزوم حضور اهل علم در جلسات محاکمه. همچنین با بررسی و مطالعه ادله عقلی که یکی از منابع کشف حکم محسوب می‌شود، می‌توان پذیرش علنی بودن محاکمات در فقه جزایی را غیرقابل انکار دانست. بر این اساس، «تمسک به سنت و سیره قولی و عملی معصومین (علیهم السلام)»، «عبارات فقها در بحث آداب قضاوت اسلامی» و «ادله عقلی» را می‌توان به‌عنوان ادله پذیرش علنی بودن محاکمات در فقه جزایی معرفی نمود. در ادامه به تبیین هر یک از این ادله پرداخته می‌شود.

۱-۱- تمسک به سنت و سیره قولی و عملی معصومی (علیهم السلام)

حجیت فعل معصوم مورد اتفاق اصولیین است. به تصریح ایشان: «فعل معصوم به منزله قول او و حتی اقوی از قول اوست؛ خصوصاً زمانی که فعل استمرار هم داشته باشد» (شمس‌الائمه سرخسی، ۱۴۲۱: ۴۸۵/۱۶). همچنین گفته شده است که «فعل معصوم بدون شک حجت و مطلقاً از ادله قطعی است» (سبحانی، ۱۳۸۸: ۵۳/۲). بر این اساس، تدقیق در سیره و روش عملی ائمه معصومین (علیهم السلام)، گواه بر آن است که ایشان حق عمومی جامعه بر دسترسی به اطلاعات حکومتی و قضایی را به رسمیت شناخته‌اند؛ به طوری که در ارتباط با بسیاری از امور حکومتی به‌گونه‌ای شفاف عمل می‌نمودند که عموم جامعه به راحتی بتوانند از

عموم بوده و هیچ منعی برای حضور افراد وجود نداشت (ساکت، ۱۳۸۲: ۲ / ۲۳۹-۲۳۶). لذا منع حکام جور در خصوص این موضوع، برخلاف سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت مخالفت، حرمت خانه خدا نبود، بلکه محاکمه در مسجد موجب شفافیت دادرسی و علنی بودن آن می‌شد که این امر، با مفاسد آنان سازگار نبود و به همین دلیل دادرسی را از خانه خدا که محل نظارت عمومی بود، به خانه‌های اشخاص یا خانه قاضی انتقال دادند تا پوششی بر حکم‌های ظالمانه آنان باشد.

۱-۲- عبارات فقها در بحث آداب قضاوت اسلامی

فقهای اسلام، صراحتاً فتوایی مبنی بر مسئله برگزاری محاکمه به صورت علنی و لزوم رعایت آن در هنگام دادرسی ندارند، اما عبارات ایشان در بحث آداب و تشریفات قضای اسلامی، دربردارنده نکاتی است که می‌توان از آنها چنین برداشت نمود که علنی بودن رسیدگی به دعاوی، امری مقبول و مورد توصیه فقهای اسلام بوده است. به عنوان نمونه، موضوع «نهی از گماردن حاجب برای محکمه» در خور توجه است. از منظر فقها، گماردن حاجب و دربان به وقت قضا، کاری ناپسند و امری مکروه اعلام شده است. ظاهراً به مقتضای حکم کراهت، مقصود از «وقت قضا»، وقت تشکیل جلسه محاکمه و دعوت از خصوم و وكلا و شهود می‌باشد که قاضی مشغول پرسش و پاسخ با آنان است. در این گونه مواقع، وجود حاجب نباید مانع از ورود اقشار مختلف مردم برای ورود به محکمه و مشاهده حضوری محاکمات شود، و حاجب صرفاً باید نظم محکمه‌ای را که علنی برگزار می‌شود تضمین کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۶۰). شهید ثانی در مسالک‌الافهام معتقد است: «گماردن دربان و حاجب برای محکمه کاری مذموم و گاهی حرام دانسته شده است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۷۷/۱۳). محقق حلی ضمن تأکید بر این موضوع که محل برگزاری جلسه دادرسی باید طوری باشد که باعث ایجاد مشقت برای عموم نشود و افراد بتوانند به سهولت به آن

(علیه السلام) نامه‌ای به شریح نوشتند و فرمودند: «ای شریح، در مسجد بنشین زیرا این امر در میان مردم به عدالت نزدیک‌تر است و اینکه قاضی در خانه‌اش به قضاوت بپردازد موجب وهن و سبکی او خواهد شد» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۵۸). نامه امیرالمؤمنین به شریح، مبین این نکته می‌باشد که برگزاری جلسات محاکمه در مسجد، تأکید بر شفافیت محاکمات به واسطه علنی بودن آن است (زمان‌زاده بهبهانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۷۳). در واقع، به شریح دستور می‌دهند تا به صورت علنی به قضاوت بپردازد، زیرا برگزاری جلسات دادرسی به این شیوه موجب می‌شود که قاضی، مردم را ناظر اعمال خود در زمینه برگزاری محاکمه عادلانه بباید و در نتیجه، باعث توجه بیشتر او به میزان حساسیت و وظیفه‌ای که بر عهده دارد می‌گردد؛ بدون اینکه تداوم و استمرار تلاش وی در خصوص برقراری عدالت، کاهش پیدا کند. بر این اساس، به دلیل اینکه رفتار قاضی در هنگام محاکمه تحت نظارت و بررسی افراد بسیاری قرار می‌گیرد، نمی‌خواهد در مقابل ایشان ظالم شناخته شود. از این رو، می‌توان گفت که نظام دادرسی باید علنی باشد تا نشان دهد که خود فاسد نیست، خوب عمل می‌کند و همین‌طور با نقض قوانین و فساد، به درستی مبارزه می‌نماید (راسته و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۵).

در اینجا بیان این موضوع خالی از لطف نمی‌باشد که منع برگزاری جلسات محاکمه به صورت علنی در مسجد از سوی حکام جور، قرینه دیگر بر جایگاه رفیع این موضوع در تحقق عدالت و پیشگیری و مبارزه با فساد دستگاه قضایی است؛ که اگر این چنین نبود، ممانعت معنا نداشت. در این خصوص، ظاهراً معتضد عباسی نخستین خلیفه‌ای بود که کرسی قضاوت را از مسجد برداشت؛ به این بهانه که قضاوت در مسجد با حرمت خانه خدا سازگار نیست (حجتی کرمانی، ۱۳۶۹: ۱۹۵/۱). این در حالی است که معصومین (علیهم السلام) در مسجد به دادرسی می‌پرداختند و برپایی آن در چنین مکانی نشانگر اهمیت نظارت عمومی بر روند محاکمه و رفتار قاضی و احکام صادره از سوی وی می‌باشد که از طریق قضاوت در مسجد، جلسه محاکمه در دسترس

بر قاضی مستحب است تا هنگام دادرسی دانشمندان را حاضر کند، زیرا ممکن است دچار سهو و اشتباه شود، تا آنان وی را از آن آگاه کنند و اگر نظر آنان را درست ببیند از رأی خود برگردد؛ و دنباله همین عبارت در توضیح مفهوم «علما» می‌نویسد: «واژه عالم، تنها خصوص مجتهدین نیست بلکه اعم از آن است، زیرا برای غیرمجتهد جایز است تا مجتهد را در صورتی که غافل از حقیقت است آگاه کند و ما هم بسیار دیده‌ایم که دانش‌آموز چیزهایی را می‌داند که معلم نمی‌داند» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۲-۳۷). صاحب جواهر نیز نظر مقدس اردبیلی را قبول کرده است و می‌نویسد: «کسانی که در محضر قاضی حاضر می‌شوند لازم نیست مجتهد باشند بلکه همان اندازه که اهل نظر بوده و بتوانند قاضی را از اشتباهاتش آگاه کنند کافی است» (نجفی، ۱۴۰۳: ۷۸/۴۰).

به هر تقدیر می‌توان اذعان نمود به‌رغم اینکه علنی بودن محاکمات به‌طور صریح به‌عنوان یک تکلیف در فقه جزایی ذکر نشده است، ولی توصیه‌های اکید فقها مبنی بر قضاوت در مکان‌های فراخ و قابل دسترس برای عموم، نهی از گم‌کردن دربان برای آن مکان و همچنین حضور فقها و اهل علم به‌عنوان نمایندگان مردم، مستلزم علنی بودن جلسات رسیدگی است و می‌توان توصیه و پذیرش علنی بودن محاکمات را در کلام فقها مستفاد نمود.

۱-۳- ادله عقلی

اصول مربوط به دادرسی منصفانه، قواعدی منطقی و عقلایی هستند که عقل سلیم نیز فی‌الجمله بدان حکم می‌کند.^۱ بنابراین حتی در مورد برخی از اصول دادرسی که ممکن است در فقه جزایی به صراحت بیان نشده باشند اما در نظام‌های حقوقی جدید مورد توجه واقع شده‌اند، چنانچه با اصول آموزه‌های اسلامی در تعارض نباشند، به‌عنوان اصول عقلایی لازم‌الرعایه در فقه جزایی قابل قبول هستند؛ زیرا از نظر اسلام، شیوه خاص ثابت و لایتنجیری در مورد روش دادرسی

دسترسی داشته باشند، دربان گذاشتن توسط قاضی را مکروه دانسته و معتقد است: «از آداب مکروه برای قاضی این است که در هنگام دادرسی برای خود درباری قرار دهد» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۶۷/۴). صاحب جواهر نیز در جواهرالکلام، نظری همسو با محقق حلی و شهید ثانی دارد (نجفی، ۱۴۰۳: ۷۹/۱۰). کلام فقها در این معنا ظهور دارد که بهتر است قاضی مکانی را فراهم کند تا شهروندان بتوانند در جلسه دادرسی حضور داشته باشند و با قرار دادن دربان، مانع حضور آنها در جلسه دادرسی نشود.

یکی دیگر از آداب قضاوت اسلامی که اکیداً مورد توصیه و سفارش فقها قرار گرفته است، حضور فقها و دانشمندان (اهل علم) در جلسات رسیدگی برای مشاوره قاضی با ایشان می‌باشد. یکی از جدیدترین جلوه‌های این موضوع، حضور هیأت منصفه که متشکل از آحاد مردم با گرایش‌های فکری و عقاید گوناگون است، در جلسه دادرسی می‌باشد. شاید در ظاهر، این امر بر وجوب علنی بودن محاکمات دلالت نکند اما در واقع، شرکت این افراد در دادگاه سبب می‌شود که این دادرسی‌ها جنبه مردمی به خود بگیرند و افکار عمومی جامعه در آنها تجلی یابد. از این‌رو، برخی (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۳۷۳) هیأت منصفه را به مثابه یک کارشناس خبره که به نمایندگی از افکار عمومی در جلسات محاکمه شرکت می‌کند و می‌تواند حسن و قبح عمل متهم را تشخیص دهد، دانسته‌اند. علامه حلی در این‌باره می‌گوید: «قاضی به علما فرمان می‌دهد که هنگام حکم کردن در دادگاه حضور داشته باشند تا در صورتی که خطایی از وی سرزند، او را آگاه به خطایش سازند و اگر مشکل علمی برای او پیش آید، از آنها توضیح بخواهد؛ البته نه به این منظور که قاضی نظر آنان را از روی تقلید بپذیرد» (حلی، ۱۴۱۳: ۴۲۸/۳). شیخ طوسی در «مبسوط» می‌نویسد: «بجا است در جلسه رسیدگی، گروهی از دانشمندان شیعه و یک تن از هر یک از مکاتب فقهی اهل سنت حضور داشته باشند تا چنانچه مسئله‌ای پیش آید، قاضی در صورت نیاز از آنها سؤال کند» (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۰/۸). مقدس اردبیلی هم در «مجمع الفائدة و البرهان» در ذیل عبارت علامه می‌گوید: «و

^۱ - حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «القولُ شرعٌ من داخلٍ، و الشرعُ عقلٌ من خارجٍ» (طریحی، ۱۴۰۸: ۲۲۴/۳).

دستگاه قضا، کافی نیست که عدالت صرفاً به صورت نظری و زبانی بیان گردد، بلکه لازم است اعمال عدالت در دادگاه‌ها ملموس و رؤیت‌شدنی باشد» (Spigelman, 2006: 147).

در فقه جزایی نیز نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر از ادله عقلی این اصل است. امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر واجب بزرگی است که به واسطه آن، سایر واجب‌ها هم عملی می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۹۶/۱۶). از این روایات، می‌توان یکی از جلوه‌های امر به معروف و نهی از منکر - که یک نظارت عمومی بر کار دستگاه قضایی است و سبب کاهش تخلفات و افزایش اعتماد عمومی به این دستگاه خواهد شد - را استنباط نمود. چنانچه فقها مبنای این فریضه را نظارت عمومی دانسته‌اند و معتقدند که برای حفظ جامعه از فساد و سقوط، نظارت عمومی لازم است تا فرد و جامعه را از رفتن به سوی انحرافات حفظ نماید (نوری همدانی، ۱۳۷۷: ۸۳-۸۲). مرحوم نائینی نیز نظارت عمومی را حق عموم ملت می‌داند (نائینی، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

۱-۳-۲- تأثیر بر قاضی در جهت اجرای کامل عدالت و جلوگیری از فساد قضایی

با اینکه ملکه اجتهاد در قاضی، فضیلتی انکارناپذیر در راستای اهداف نظام حقوقی اسلام است، اما نکته مهم اینجاست که اصولاً در برخی نظام‌های اسلامی از جمله ایران، نه تنها نیازی به مجتهد بودن قاضی نیست، بلکه حتی به قاضی مجتهد اجازه داده نمی‌شود که بر طبق فتوای خود به صدور رأی قضایی بپردازد. درست به هم دلیل است که در حال حاضر شرط اجتهاد قاضی واقعیت و نمود خارجی ندارد و اغلب قضاتی که مسند قضاوت تکیه زده‌اند، قاضی مجتهد نیستند (موحدی محب، ۱۳۸۸: ۱۴۲). از طرفی صرف نظر از موضوع مذکور، به فرض پذیرش اجتهاد و عدالت قاضی، احتمال خطا و اشتباه در او را نمی‌توان از نظر دور داشت و به همین سبب نمی‌توان نظارت عمومی از طریق دادرسی علنی را نادیده انگاشت. بر همین اساس، علنی بودن محاکمات از این باور ناشی می‌شود که قرار گرفتن در معرض دید و نظارت

وجود ندارد که نتوان از آن عدول کرد یا در مقام اصلاح و تغییر آن برآمد (مهرپور، ۱۴۰۱: ۳۲۲). لذا نداشتن سابقه مصداقی و صریح فقهی، دلیل بر عدم مشروعیت نیست، بلکه مهم آن است که مصداق موجود، با اصول و مبانی اسلام تعارضی نداشته باشد و از نظر عقلایی نیز مورد تأیید باشد. بنابراین، یکی از حقوق متهم در نظام حقوق بشری که بر مبنای اصل کرامت انسانی، اصل عدالت و امنیت قضایی پایه‌گذاری شده است و عقل سلیم نیز آن حقوق را موّجه می‌داند و می‌پذیرد، برگزاری علنی محاکمات می‌باشد. در این رابطه، ادله عقلی را می‌توان ذیل چهار عنوان بررسی نمود:

- ۱- افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی به واسطه شفافیت دادرسی؛
- ۲- تأثیر بر قاضی در جهت اجرای کامل عدالت و جلوگیری از فساد قضایی؛
- ۳- ترغیب شهود در جهت ادای شهادت از روی قطع و یقین؛
- ۴- پیشگیری از وقوع جرم به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم. در ادامه، به تشریح هر یک از این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱- افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی به واسطه شفافیت دادرسی

مدتهاست که اصول حقوقی، ارتباط تنگاتنگی را بین مفهوم عدالت و شفافیت قضایی برقرار می‌کند و تأکید دارد که اولی بدون دومی، هیچ معنایی ندارد (Hall-Coates, 2015: 104) و روشن است که این مهم نیز در گرو برگزاری علنی محاکمات مقدور خواهد بود. از طرفی نیز باید توجه داشت که هدف اصلی محاکمات علنی، اطمینان از اجرای عدالت طبق قانون است که سبب ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی خواهد شد. مردم جامعه، از نظام قضایی خود تقاضای مصونیت مطلق از خطا را ندارند اما پذیرفتن آنچه که از مشاهده آن منع شده‌اند برای آنها دشوار است و به‌طور منطقی و قابل درکی، نسبت به آنچه که پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد تردید دارند و مشکوک هستند. از این رو گفته می‌شود که «برای ایجاد اعتماد عمومی به

(مجلسی، ۱۴۳۲: ۱۰۴/۹). امام علی (علیه السلام) نیز در خصوص ارزش شهادت شهود فرمودند: «عدالت، روح شهادت دادن است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۵۶). دادرسی علنی به دلیل ارتباط با پیگیری و دستیابی به حقیقت، مورد تحسین قرار گرفته است. از این رو، هنگامی که شخصی در یک دادگاه علنی و در حضور عموم مردم در حال شهادت دادن است، کیفیت شهادت وی افزایش پیدا خواهد کرد؛ زیرا قرار گرفتن در کانون توجه عموم، شاهد را ملزم می‌نماید که فقط حقیقت را بگوید و از ترس افشای دروغ خود از رهگذر حضار، از بیان اظهارات ناصواب و خلاف واقع پرهیز می‌نماید (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۹). بنابراین به واسطه علنی بودن محاکمات، تحقیر شدن دروغگویان در انتظار عمومی می‌تواند بازدارنده‌ای قدرتمند در برابر شهادت دروغ باشد و این اطمینان را دهد که شهود به هنگام شهادت، از اغراق و بزرگ‌نمایی موضوع، منصرف شوند. همچنین می‌توان پذیرفت که علنی بودن دادرسی، ممکن است شهود ناشناخته را مجاب کند تا برای شهادت در دادگاه حاضر شوند و یا باعث گردد افراد مطلع و کسانی که دارای اطلاعات خاصی در زمینه پرونده مطروحه هستند و می‌توانند در پیشبرد دادرسی کمک نمایند، تشویق شوند تا برای ادای اظهارات و بیان اطلاعات خود، حضور پیدا کنند (Nicholls, 2017: 203).

۱-۳-۴- پیشگیری از وقوع جرم به واسطه افزایش دانش حقوقی مردم

اهداف نظام عدالت علنی چندمنظوره است و شامل مقاصد آموزش عمومی و پیشگیری از جرم نیز می‌باشد؛ بدین شکل که دستگاه قضایی از طریق علنی بودن دادرسی‌ها، محتوای قانون را به اطلاع شهروندان می‌رساند، تا آنها بتوانند رفتار خود را بر این اساس تعدیل کنند (Dadwal, 2019: 901) و از طرفی نیز، مجرمین بالقوه و افرادی که در مظان ارتکاب جرم هستند، با مشاهده نحوه محاکمه و همچنین نظام قضایی بی‌طرف، مقتدر و کارآمد، نسبت به عواقب رفتارهای آتی خود آگاه می‌شوند و راه گریز از محکومیت و مجازات را

عمومی، ضمن اینکه مسؤلیت‌پذیری قضات را افزایش می‌دهد، به‌عنوان یک اهرم بازدارنده، رفتار ناشایست و به‌دور از شأن نظام عدالت کیفری را تقلیل می‌دهد و از این طریق، اطمینان از اجرای عدالت را به منصف‌ظهور می‌گذارد. از این روست که گفته شده: «نظام دادرسی باید علنی باشد تا نشان بدهد که خود فاسد نیست، خوب عمل می‌کند و همین‌طور با نقض قوانین و فساد، به درستی مبارزه می‌نماید» (Dadwal, 2019: 902).

در اینجا شایسته است به سخن معروف امام علی (علیه السلام) خطاب به قاضی حکومتش اشاره شود با این مضمون که عدالت را باید مردم ببینند (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۲۵/۱۸). این سخن مطابق با قاعده معروف معاصر است که گفته می‌شود: «تحقق عدالت کافی نیست، بلکه اجرای آن باید رؤیت‌پذیر و ملموس باشد»^۱ (Case of Delcourt v. Belgium, 1970: 31). همچنین سفارش امیرالمؤمنین به مالک اشتر که می‌فرمایند: «ای مالک! هرگاه مردم بر تو بدگمان شدند عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) نیز به خوبی مبین آن است که گسترش عدالت و جلوگیری از سوءظن‌های مربوط به محاکمه، با علنی کردن دادرسی‌ها سازگار می‌باشد. بنابراین وظیفه حاکم این است که برای دفع احتمال ظلم و بدگمانی از خود و در راستای تحقق شفافیت قضایی، دادرسی‌ها را علنی برگزار نماید.

۱-۳-۳- ترغیب شهود در جهت ادای شهادت از روی قطع و یقین

در کلام معصومین، شهود در جایگاه بسیار رفیعی قرار دارند. پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «کسی که برای زنده کردن حق یک نفر مسلمان شهادت حق بدهد، روز قیامت در حالی آورده می‌شود که نور چهره‌اش تا چشم کار می‌کند دیده می‌شود و خلائق او را به نام و نسب می‌شناسد»

^۱ - "Justice must not only be done, It must also be seen to be done"

بین‌آمریکایی حقوق بشر به منظور تفسیر و نظارت بر حسن اجرای مفاد مندرج در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر از سوی محاکم ملی و همچنین دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر که یکی از سه دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر به همراه دیوان اروپایی و دیوان آفریقایی می‌باشد، به‌عنوان نهادی قضایی برای رسیدگی به موارد ادعای نقض حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته‌شده در این کنوانسیون، ایجاد شده‌اند.

در سال‌های اخیر، نظام آمریکایی حقوق بشر همانند سایر نظام‌های معاصر حقوق بشری، پی برده است که ترسیم الگوها و استانداردهایی در زمینه حق محاکمه منصفانه و حمایت مؤثر قضایی از مؤلفه‌های آن از جمله علنی بودن محاکمات، ضرورت دارد. بر همین اساس و با توجه به اینکه لزوماً نیاز به حفظ اطمینان عمومی و جلوگیری از احتمال بی‌عدالتی در فرایندهای مربوط به دادرسی کیفری بیشتر احساس می‌شود، جلسات دادرسی دادگاه‌ها باید تا میزانی که به موجب اصول دادرسی و رعایت انصاف لازم است، به‌صورت علنی انجام شود (*Report on Terrorism and Human Rights, 2002: 403*). پروفیسور پاسکوالوچی که مطالعات گسترده‌ای را در مورد دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر انجام داده است، تأیید می‌کند که عدالت علنی در رسیدگی‌های کیفری، شفافیت پرونده‌ها را در سطح بین‌المللی تقویت کرده و به جریان انداخته است و در نتیجه، به افزایش فشار بر دولت‌های نقض‌کننده این حقوق کمک کرده است. بر همین اساس، دولت‌ها به‌طور قابل‌توجهی گام‌های مثبتی در قبال مسائل مربوط به حقوق بشر برداشتند؛ اقداماتی نظیر اصلاح برخی قوانین، اصلاح شیوه‌های دادرسی، بهبود شرایط محیطی دادگاه‌ها و زندان‌ها، فراهم نمودن اسباب و مقتضیات حضور مردم و رسانه‌ها در دادگاه و موارد مشابه (*Pasqualucci, 2014: 205*). بنابراین، از نظر فعالان حقوق بشر، دادرسی علنی که می‌تواند ابزاری برای ایجاد فشار داخلی و بین‌المللی حقوق بشری بر دولت‌ها باشد، با این استدلال توجیه می‌شود که نظارت عمومی، زمینه‌های

به‌ویژه از طریق اعمال نفوذ و سوءاستفاده از موقعیت، بر خود بسته دیده و این امید در دل آنها مدفون می‌گردد. این امر سبب دفع ضرر احتمالی می‌باشد. طبق این قاعده، معقول است که در صورت ضرر احتمالی، آن را از خود دفع کنیم و بی‌اعتنایی به آن، سرزنش عقلاً را همراه دارد. صاحب‌بدایه‌المعارف می‌گوید: «پوشیده نیست که دلیل عقلی، دفع ضرر احتمالی است. لذا گفته نشده است که عقلاً غالباً ضرر را به دلایل مختلف متحمل می‌شوند، بلکه تأکید شده است که عقلاً در زندگی روزمره آنچه را که احتمال ضرر دارد -چه کوچک باشد و چه به فایده مهمی منجر شود- اهمیت می‌دهند؛ به‌خصوص ضرری که باعث از بین رفتن جان باشد و کسی که این چنین ضررها را ببیند و جلوگیری نکند مستحق سرزنش است» (خرازی، ۱۴۲۰: ۹/۱). بر این اساس، جدیت و قاطعیت دستگاه عدالت کیفری در برخورد با مجرمین از دریچه علنی بودن محاکمات، با صراحت بیشتری به بزهداران بالقوه منتقل خواهد شد و این افراد با مشاهده اینکه احقاق حق به‌صورت کاملاً منصفانه صورت می‌گیرد و افراد به سزای عمل خود می‌رسند، چه‌بسا در نیت و اراده خود تردید کنند و از ارتکاب جرم خودداری نمایند و در مقابل، بی‌اعتنایی به این قاعده و برگزاری محاکمات به‌صورت غیرعلنی، سبب به خطر افتادن منافع عمومی جامعه خواهد شد (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۲۴۶).

۲- رویکرد نظام آمریکایی حقوق بشر در رابطه با علنی بودن محاکمات

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ در شهر سن‌خوزه کاستاریکا به تصویب رسید و در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون که به «پیمان سن‌خوزه» معروف است، یک معاهده بین‌المللی می‌باشد که حقوق و آزادی‌هایی را که باید توسط دولت‌های عضو محترم شمرده شوند، در نظر می‌گیرد. فهرست حقوق مورد حمایت کنوانسیون، عبارت از تمام موضوعاتی است که در چهارچوب حقوق مدنی و سیاسی قرار می‌گیرند. لذا محتوای این سند، بیانگر این معنا است که حقوق فراملی ناظر بر حقوق بشر، صرفاً به اروپا محدود نمی‌شود. در این راستا، کمیسیون

که در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بخش مجزایی تحت عنوان سازوکارهای دادرسی علنی اختصاص داده نشده است. بر همین اساس معمولاً سازوکارهای مربوط به این موضوع، تحت عنوان کلی تر «انصاف در دادرسی» بررسی می‌شوند. به طور کلی، این موضوع را می‌توان در قالب سه عنوان بررسی نمود: «سازوکارهای مرتبط با حقوق اشخاص ثالث»؛ «سازوکارهای مرتبط با حقوق متهم» و «سازوکارهای مرتبط با شیوه قضاوت». در ادامه به تبیین این سازوکارها در نظام آمریکایی حقوق بشر پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱- سازوکارهای مرتبط با حقوق اشخاص ثالث

این جمله معروف که «حتی اگر متهم به هیچ وجه محاکمه نشود، بهتر از این است که قانون در مورد او اجرا شود بدون آنکه مردم بتوانند این عمل را از نزدیک مشاهده کنند» (East Africa Law Reports, 1960: 968) حاکی از آن است که یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین سازوکارهای تحقق دادرسی علنی، حق حضور شهروندان در دادگاه و قابلیت دسترسی آنها به جلسات دادرسی می‌باشد. در این رابطه، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز احراز کرده است که حضور عموم مردم در یک جلسه دادرسی علنی، الزام اساسی در جهت شفافیت قضایی و تضمین روند صحیح رسیدگی به پرونده‌های کیفری می‌باشد (Case of Castillo-Petruzzi et al. v. Perú, 1999: 172). کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز در سال‌های اخیر، موضع خود را در مورد لزوم اطمینان از منصفانه بودن دادرسی و حضور شهروندان در جلسات محاکمه به واسطه برگزاری علنی آن بیان نمود و استانداردهایی را به منظور نظام‌مندی و شفاف‌سازی روند دادرسی در محاکم ملی، به عنوان اولویت‌های حمایت قضایی از حقوق مدنی و سیاسی در نظر گرفته و تأکید نموده است که برای محقق شدن دادرسی علنی، صرف اینکه عموم مردم اجازه ورود به دادگاه و حضور در آن را داشته باشند کافی نیست، بلکه الزام به برطرف کردن موانع عملی برای اطمینان از دسترسی عموم مردم به

بی‌عدالتی در دستگاه عدالت کیفری را به حداقل می‌رساند و اصولاً عکس‌العمل افکار عمومی در قبال رفتارهای جانبدارانه و غیرعادلانه دستگاه عدالت کیفری، خود عاملی برای کنترل عملکرد این دستگاه است. در این راستا، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۸ خود که بسیار مفصل است، به حق دادرسی منصفانه پرداخته است و در بند ۵ این ماده مقرر می‌دارد: «جلسات رسیدگی کیفری، علنی خواهد بود مگر هنگامی که حمایت از منافع عدالت ضروری باشد (و غیرعلنی بودن را اقتضاء نماید)». به نظر می‌رسد متن بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به گونه‌ای تنظیم گردیده است که ظاهر آن، حکایت از اختصاص اصل مذکور به دادرسی‌های کیفری دارد. لذا شاید بتوان گفت که حکم بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون، ناشی از تفاوت میان دعوی کیفری و قضایای مدنی از یک سو، و فلسفه علنی بودن دادرسی از سوی دیگر است؛ چرا که قضایای مدنی اصولاً به حقوق و تکالیف اصحاب دعوا مرتبط است ولی دعوی کیفری به منافع عمومی ارتباط دارد. البته در مقابل، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، علنی بودن استماع دعوا و اعلان حکم را هم برای دعوی کیفری و هم قضایای مدنی لازم می‌شمارند.

با مطالعه نظام آمریکایی حقوق بشر، مشخص می‌گردد این نظام دریافته است که درک و تبیین مفهوم واقعی و دقیق دادرسی علنی و دستیابی به اهداف متعالی آن، محتاج سازوکارهایی می‌باشد که باعث تحکیم این موضوع می‌گردد و سبب خواهد شد دادرسی به شکل منصفانه صورت پذیرد. شاید همین موضوع سبب گردیده که در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای و همچنین در رویه کمیسیون و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر، هیچ‌گونه تعریفی از دادرسی علنی صورت نگرفته است و اصطلاح دادرسی علنی بیشتر از آنکه تعریف شود، مورد استناد قرار گرفته است. آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است

شهروندان است، لذا پوشش رسانه‌ای جلسات دادگاه تنها راه دستیابی خیل عظیمی از مردم به اطلاعات دادرسی و نظارت آنها در زمینه عملکرد دستگاه عدالت کیفری می‌باشد. از این رو با توسعه فناوری‌های نوین، نقش جایگزین گزارش رسانه‌ای امروزه به‌عنوان عنصر اساسی دادرسی علنی محسوب می‌شود و اهمیت و ارزش آن با حق حضور و مشاهده عینی روند دادرسی از سوی مردم، برابر است (*Bicskei and Others*, 2018: 2). توماس بورگنتال، قاضی سابق دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در مورد ارزش علنی بودن دادرسی و حضور رسانه‌ها در دادگاه و اطلاعات آنها در زمینه یک پرونده و عواقب منفی عدم انجام آن، اظهار داشت: «نخست اینکه با حضور رسانه‌ها، قضات و کارمندان دادگاه مراقب رفتار خود خواهند بود و از هرگونه اظهارنظر غیرمنصفانه در مورد رسیدگی به پرونده‌ها خودداری خواهند کرد؛ زیرا می‌دانند اظهاراتی که ابراز می‌کنند، مطمئناً توجه عمومی را به‌نفع یا بر علیه آنها جلب خواهد کرد؛ در ثانی، در صورتی که محاکمات به‌صورت غیرعلنی برگزار گردد، تردید در منصفانه بودن آن بیش از پیش رخ می‌نماید. این مشاهدات، ارزش جلسات علنی را که در آن رسانه‌ها دسترسی مستقیم به دفاعیات طرفین دعوی، شهادت شاهد و استدلال‌های مورد بحث در جلسه را دارند، تقویت می‌کنند» (*Cavallaro and Brewer*, 2008: 802). در این رابطه، کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر در راستای حمایت از دادرسی علنی و آزادی بیان، با عنایت به بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و الهام گرفتن از بند ۱ ماده ۱۴ و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در «گزارش تروریسم و حقوق بشر» موضع خود را به نفع علنی بودن دادرسی روشن کرد. بر اساس این گزارش، «نمایندگان رسانه‌ها حق دارند در جلسات دادرسی حضور یافته و گزارش تهیه نمایند؛ به استثنای مواردی که قاضی بر اساس قانون می‌تواند استفاده از دوربین را در طول جلسات دادرسی محدود یا ممنوع نماید...». بر همین اساس مقرر نمود: «جنبه دیگری از حق دسترسی به اطلاعات، فرضیه‌ای است که حضور در تمام جلسات

دادگاه‌ها، یکی از وظایف اصلی دولت‌ها در راستای رعایت دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های کیفری محسوب می‌شود. این کمیسیون در پرونده‌ای که علیه دولت آرژانتین مطرح شد به مقررات محاکمات دادگاه نظامی این کشور ورود کرد و پاره‌ای از قواعد آن را ناقض حق دادرسی منصفانه دانست. در این پرونده، تعدادی از نظامیان به اتهام اختلاس از منابع مالی نیروی هوایی دستگیر شده بودند و مدتی را در سلول انفرادی گذرانده بودند. تمامی مراحل دادرسی این متهمان نه‌تنها بدون حضور عموم مردم در جلسه دادگاه صورت پذیرفت بلکه وجود برخی موانع سبب گردید در عمل نیز تحقق این موضوع، امکان‌پذیر نباشد. کمیسیون این مورد را نقض حق علنی بودن دادرسی و در نتیجه، نقض حق دادرسی منصفانه تلقی نمود (*Case of Arguelles et al v. Argentina*, 2011: 9). در پرونده دیگری که کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر در قالب دو سند مجزا به دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر ارجاع داده بود و دیوان آن دو را در قالب یک پرونده رسیدگی نمود، تعداد کثیری از اتباع ترینیداد و توباگو با اتهام ارتکاب جرایم مستوجب اعدام، با این ادعا که به واسطه محرومیت عموم مردم از حضور در جلسات دادرسی، الزامات مربوط به شفافیت قضایی نقض شده و در نتیجه حق دادرسی منصفانه مخدوش گردیده است، شکایت خود را ثبت نمودند. دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در این پرونده اعلام نمود که محرومیت شهروندان از حضور در جلسه دادرسی و برگزاری دادگاه به‌صورت غیرعلنی، نقض حق دادرسی منصفانه است و این امر خود نقض ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز می‌باشد؛ چرا که دولت متعاقد، پیش‌بینی‌های لازم جهت اثربخشی سازوکارهای مربوط به شفافیت قضایی را در قوانین داخلی خود انجام نداده است (*Case of Hilaire et al. v. Trinidad and Tobago*, 2002: 118).

از دیگر سازوکارهای مرتبط با حقوق اشخاص ثالث، حضور اصحاب رسانه در جلسات دادرسی می‌باشد. از آنجا که مقتضای شفافیت قضایی، علنی بودن دادرسی برای عموم

یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه بدان معناست که شخص متهم به یک جرم کیفری، باید حق حضور در جلسه دادرسی را داشته باشد. از این رو، اصل علنی بودن دادرسی‌ها بدون حضور متهم در جلسه دادرسی، دچار خدشه شده و مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد.

توجه به نکاتی چند در خصوص موضوع حضوری بودن دادرسی، ضروری به نظر می‌رسد: نخست اینکه حضوری بودن دادرسی مستلزم آن است که متهم یا وکیل وی نه تنها باید از تاریخ و ساعت برگزاری جلسه دادرسی مطلع باشند بلکه ضروری است از وقت کافی برای آماده‌سازی مستندات و دفاعیات خود و حضور در جلسه دادگاه نیز برخوردار باشند.

بنابراین در صورت دعوت نکردن از متهم یا بی‌اطلاعی او از تاریخ و ساعت برگزاری جلسه دادرسی و همچنین در صورت وجود موانعی مانند تغییر محل دادگاه در یک روز مانده به جلسه رسیدگی که عملاً امکان حضور متهم را در دادرسی سلب می‌نماید، الزامات دادرسی حضوری رعایت نشده است.

بر همین اساس، کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز در یکی از گزارش‌های خود، از محاکمه‌ای که متهم از حضور در

جلسات دادرسی دادگاه ممنوع شده بود، انتقاد کرد (*Report on the Situation of Human Rights in Panama*, 1978: 28). دوم اینکه حتی در مواردی که با تجویز قانون و

به‌طور استثنائی، امکان محدود کردن حق دادرسی علنی و

ممانعت از حضور مردم و رسانه‌ها وجود دارد، متهم حق

حضور در جلسه دادگاهی که در حال رسیدگی به اتهام اوست

را دارد. البته نظام آمریکایی حقوق بشر دریافته است که

حضور بودن دادرسی مطلق و استثناء‌ناپذیر نیست و در

راستای جلوگیری از سوءاستفاده متهم از حق بر دادرسی

حضوری، حمایت از حقوق بزه‌دیده و همچنین اجتناب از اطاله

بی‌مورد دادرسی، می‌توان در برخی موارد محاکمه را بدون

حضور متهم برگزار نمود؛ مواردی از قبیل فراری بودن متهم،

اعراض یا امتناع وی از حضور در جلسه دادرسی، اخراج متهم

از دادگاه به دلیل اخلال در نظم جلسه (*Vitkauskas &*

Dikov, 2017: 70). با این حال نظام آمریکایی حقوق بشر

ارگان‌های حاکم - که یکی از مصادیق آن دادگاه‌ها می‌باشند -

برای اصحاب رسانه آزاد است» (*Report on Terrorism and Human Rights*, 2002: 287). دیوان بین‌آمریکایی

حقوق بشر نیز در یکی از آرای خود چنین استدلال می‌کند که

قانون اعطای مجوز به خبرنگاران در کاستاریکا به دلیل اینکه

حق برخی از افراد بشر در دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها که

موجب استفاده کامل از آزادی بیان و انتشار اطلاعات می‌باشد

را نقض کرده است، نه تنها مخالف کنوانسیون آمریکایی

حقوق بشر می‌باشد بلکه مخالف هر کنوانسیون حقوق بشری

است که در آن آزادی رسانه تضمین شده باشد (*Habeas Corpus in Emergency Situations*, 1987: 15).

نظام آمریکایی حقوق بشر در جهت تحقق دسترس‌پذیری

جلسات دادرسی برای شهروندان و اصحاب رسانه، محاکم

ملی را ملزم به تبعیت از سازوکارها و اجرایی نمودن برخی

اقدامات نموده است؛ از جمله اینکه، کلیه اطلاعات ضروری

راجع به زمان و مکان جلسات دادرسی علنی، توسط دستگاه

قضایی در دسترس عموم قرار گیرد و شرایط لازم و امکانات

کافی برای حضور افرادی که تمایل به شرکت در جلسات

دادرسی دارند، در حد معقول و متناسب فراهم آید. همچنین،

زمان‌بندی برگزاری دادرسی‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که افراد

بتوانند به‌موقع خود را به دادگاه برسانند. در این راستا، در مورد

مکان‌هایی مانند سالن بزرگ اجتماعات که خارج از ساختمان

دادگستری واقع است و به دلایل منطقی و به‌طور موقت و

صرفاً برای رسیدگی به یک پرونده خاص تعیین می‌گردند،

باید تمام شرایط و ضوابط مربوط به جلسه دادرسی علنی در

آن رعایت شود و بدین ترتیب در دسترس عموم قرار گیرد.

۲-۱-۲- سازوکارهای مرتبط با حقوق متهم

دادرسی نه‌تنها برای عموم مردم باید علنی باشد، بلکه برای

متهم نیز باید علنی باشد و وی می‌بایست از این حق برخوردار

گردد که در جلسات دادرسی علنی حضور مستمر و مؤثر

داشته باشد و به‌صورت شفاهی و ترافعی از خود دفاع نماید.

بنابراین در وهله اول، مفهوم علنی بودن دادرسی به‌عنوان

نداشته باشد و وکیل وی نیز از سوی قاضی و به‌طور غیرموجه از انجام تعهداتش در دفاع از موکل خود منع گردد، حق محاکمه منصفانه نقض شده است» (Report on the Situation of Human Rights of a Segment of the (Nicaraguan, 1983).

از دیگر سازوکارهای مرتبط با حقوق متهم، شفاهی و توافقی بودن دادرسی می‌باشد. به‌عنوان یک قاعده، متهم با استفاده از فرصت دادرسی شفاهی و توافقی می‌تواند در دفاع از خود، مدارک و ادله موردنظر خویش را به دادگاه ارائه نماید، شهادت علیه خود را بشنود و اظهارات شهود را به چالش بکشد و مورد بررسی و پرسش قرار دهد. بر این اساس، این موضوع از جهت ضرورت ارزیابی درستی اظهارات متهم در مقایسه با اظهارات شهود طرف مقابل نیز دارای اهمیت است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در شق «ک» از بند ۲ ماده ۸ در خصوص حق متهم مبنی بر پرسش از شهود طرف مقابل و به چالش کشاندن شهادت آنها اشعار می‌دارد: «متهم باید بتواند با طرح پرسش از شهودی که بر علیه او شهادت می‌دهند، صحت شهادت آنها را به چالش بکشد و همچنین باید این حق را داشته باشد شهودی که به نفع او شهادت می‌دهند را با همان شرایطی که برای شهود علیه او در نظر گرفته می‌شود، احضار نماید». بر همین اساس اگر متهم تصمیم به استفاده از حق دادرسی شفاهی و توافقی داشته باشد اما دادگاه به نحوی وی را از زمان و مکان جلسه رسیدگی مطلع نکرده باشد و از این جهت، فرصت دفاع و استدلال شفاهی را از او گرفته باشد، مفهوم و ماهیت حق رسیدگی علنی دچار خدشه خواهد شد. در این رابطه، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر در یکی از رسیدگی‌های خود که مربوط به یک پرونده مجازات اعدام بود، اظهارنظر نمود که با توجه به حساس بودن موضوع پرونده و اهمیت استماع دفاعیات متهم به‌صورت شفاهی، مواضع دولت در برگزاری کتبی رسیدگی، برخلاف اصول مربوط به دادرسی منصفانه می‌باشد (Case of Ramirez v. Guatemala, 2005: 23).

مصاحبه‌های صورت‌گرفته با وکلای بین‌المللی و پژوهشگران

به‌رغم پذیرش محاکمه غیابی، در راستای حفظ حقوق متهم و برقراری تعادل منطقی بین منافع متهم و مصالح عمومی، تضمین‌های ویژه‌ای برای اعمال آن در نظر گرفته شده است که عبارتند از: ۱) متهم باید قبل از شروع دادرسی، از اتهام علیه خود آگاه شده باشد؛ ۲) شواهد و قرائن باید حاکی از غیبت عمدی متهم در جلسه دادرسی باشد؛ ۳) متهم باید بتواند به‌محض آگاهی از روند رسیدگی، از دادگاهی که او را محاکمه می‌کند خواستار رسیدگی مجدد با حضور وی باشد؛ ۴) متهم در هر حال باید حق برخورداری از وکیل و دفاع توسط او را داشته باشد (Micus, 2015: 47). سوم اینکه در راستای تحقق حضوری بودن دادرسی، لزوماً حضور شخص متهم در جلسه دادرسی ضرورت ندارد و صرف حضور وکیل وی نیز کفایت می‌کند؛ زیرا با حضور وکیل، وصف منصفانه بودن دادرسی تقویت می‌شود و می‌توان امکان دفاع مؤثر را به متهم داد و اعتماد عمومی را به نظام عدالت کیفری ارتقا بخشید. بر اساس شقوق «د»، «و»، «ه» از بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، هر متهم به جرم کیفری، حق برخورداری از مساعدت حقوقی وکیل در جهت تضمین رعایت حقوق و دفاع از خود را دارد. کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر در پرونده‌ای که علیه دولت آرژانتین مطرح شد، به مقررات حاکم بر روند رسیدگی در دادگاه نظامی این کشور ورود کرد و پاره‌ای از قواعد آن را ناقض حق دادرسی منصفانه دانست. از آنجا که مطابق با آیین دادرسی دادگاه‌های نظامی کشور آرژانتین، رسیدگی به جرایم نظامیان نه با حضور وکلای مدافع بلکه تنها با امکان حضور افسران نظامی بازنشسته یا مشغول به کار امکان‌پذیر بود، کمیسیون حکم به نقض حق دسترسی به وکیل و در نتیجه نقض حق دادرسی منصفانه داد (Case of Arguelles et al v. Argentina, 2011: 115). این کمیسیون همچنین در گزارشی درباره وضعیت حقوق بشر در کشور نیکاراگوئه، یادآور شد: «وکلای مدافع باید آزادانه انجام وظیفه کنند و موکلین خود را از حقوق و وظایف قانونی آگاه سازند و با شیوه‌ای مناسب به آنها کمک نمایند. بر همین اساس، زمانی که متهم در دادگاه حضور

صرف شهادت شهود ناشناس را مخالف قانون اساسی اعلام نموده است، استقبال نمود (Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, 1993: 67-68). در چنین شرایطی، نظام آمریکایی حقوق بشر تلاش کرده است تا به صورت مستدل و بی طرفانه، اهداف مربوط به تأمین امنیت زندگی شهود و تضمین اصول دادرسی منصفانه را سازگار نماید (Micus, 2015: 63). از این رو با چهار پیش شرط، استفاده از شهود ناشناس قابل توجیه می باشد: ۱) لزوم عدم شهادت به طرق معمولی باید با ادله کافی و مناسب توجیه شود. لذا محاکم ملی ملزم هستند تحقیقات لازم را به انجام برسانند که آیا واقعاً تهدید صریح و جدی علیه شهود وجود داشته است یا خیر، تا اطمینان حاصل شود که اقدامات حفاظتی فقط در موارد کاملاً ضروری برای تأمین هدف قانونی حمایت، صورت می گیرد. البته باید دانست که، صرفاً اشاره به جدی بودن جرم کافی نیست و باید ارزیابی ویژه‌ای در مورد احتمال انتقام جویی انجام شود؛ ۲) باید بررسی شود که آیا حقوق دفاعی که به واسطه شهادت شهود ناشناس دچار نقصان شده، به اندازه کافی جبران گردیده است یا خیر. به عنوان مثال، آیا دادگاه اطمینان حاصل کرده است که متهم در راستای اجرای حقوق دفاعی خود، فرصت کافی و مناسب برای به چالش کشیدن شهادت شهود ناشناس را در اختیار داشته است؟ و یا اینکه آیا مقام قضایی فرصت داشته است تا اعتبار شهود ناشناس را بررسی نماید؟ ۳) باید بررسی گردد که آیا دادگاه ضمن تصمیم‌گیری در مورد نوع و میزان حمایت‌های مقرر شده برای شهود ناشناس، محدودیت حقوق دفاعی متهم را به حداقل رسانده است یا خیر؟ شایسته است دادگاه‌ها هنگامی که با شهادت شهود ناشناس روبرو می‌شوند، ارزیابی کنند که آیا می‌توان اقدامات دیگری را اعمال کرد که با پذیرش اظهارات شهود ناشناس به عنوان ادله، حقوق دفاعی متهم دچار محدودیت نگردد؛ ۴) از همه مهم‌تر اینکه، باید بررسی شود که آیا این محکومیت صرفاً یا به حد قاطعی، بر اساس اظهارات شهود ناشناس بوده است یا خیر. لذا شهادت شهود ناشناس، نباید تنها دلیل قطعی محکومیت باشد

حوزه حقوق بشر در مورد نظام آمریکایی حقوق بشر، تصدیق می‌کند که موضوعی مانند شهادت شهود در یک جلسه دادرسی علنی، بسیار مؤثرتر و کارآمدتر از ادای شهادت در یک جلسه غیرعلنی است. به عنوان مثال، اگر شاهدی در یک جلسه علنی شهادت دهد و باعث به وجود آمدن ادله‌ای بر علیه متهم شود، متهم می‌تواند در حضور مردم و رسانه‌ها، با طرح پرسش از شاهد و یا به چالش کشیدن محتوای شهادت وی، به روشن شدن بهتر واقعیت‌ها کمک نماید (Cavallaro and Brewer, 2008: 805). دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز در قضیه آلو بوئتو، بخشی از استدلال خود در دفاع از شفافیت قضایی را بر اساس رفتار شهود بنا نهاد و علنی بودن دادرسی را ابزاری در جهت راستی‌آزمایی شهادت آنها دانست. در این راستا، شهادت یک شاهد خاص را به دلیل نحوه شهادت دادن وی، رفتار و طرز برخورد او در هنگام دادرسی و همچنین شخصیتی که وی از خود نشان داد، غیرقابل استناد در نظر گرفت و صدق گفتار وی را دچار خدشه دانست (Case of Aloeboetoe v. Suriname, 1993: 58)

موضوع مهمی که در این زمینه باید بدان توجه نمود، سازوکار استفاده از شهود گمنام در نظام آمریکایی حقوق بشر است. کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر در یکی از گزارش‌های خود در مورد وضعیت حقوق بشر در کلمبیا خاطرنشان کرد که اگرچه محاکمات غیرعلنی، اهداف مناسبی مانند حفظ جان و امنیت شهود را دنبال می‌نمایند اما با وجود این، تضمین‌های دادرسی منصفانه را به طور جدی نقض می‌کنند و خطاهای نظام قضایی را افزایش می‌دهند؛ تا حدی که افرادی که به طور غیرعلنی محاکمه می‌شوند، ممکن است در معرض خطر قربانی شدن عدم اجرای صحیح عدالت قرار گیرند. از همین رو، این کمیسیون از دولت کلمبیا می‌خواهد تا به دنبال راه‌هایی برای سازگار کردن و تطبیق اهداف دوگانه و متناقض تأمین امنیت شهود و تضمین ضمانت‌های دادرسی منصفانه باشد. بر این اساس، از تصمیم دادگاه قانون اساسی کلمبیا که با صدور حکم لازم‌الاجرا، محکومیت‌های مستند به

OSCE office for Democratic Institutions and)
(Human Rights, 2012: 172-173).

۲-۱-۳- سازوکارهای مرتبط با شیوه قضاوت

از آنجا که علنی بودن محاکمات به عنوان یک سپر محافظتی در برابر اعمال قدرت خودسرانه قضات محسوب می‌شود، لذا به منظور تحقق کامل شفافیت قضایی، از یک سو، ضروری است که هویت اشخاصی که به عنوان قاضی پرونده در فرایند دادرسی انجام وظیفه می‌کنند نمایان باشد و از سوی دیگر، لازم است که تصمیمات و احکام صادره از سوی دادگاه‌ها علنی باشد و منتشر گردد.

از موارد نقض اصل نمایان بودن هویت قضات رسیدگی کننده به پرونده در نظام آمریکایی حقوق بشر، می‌توان به نظام «قضات بی‌چهره»^۱ اشاره نمود. این اصطلاح برای قضاتی به کار می‌رود که جهت پنهان ماندن هویت خود از متهم، به دلیل ترس از انتقام‌جویی وی و امنیت جانی، چهره خود را می‌پوشانند و یا از طریق یک حائل یا پرده، هویت خویش را پنهان می‌نمایند و به جای اسم، شماره آنها در همه اسناد دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از این طریق، ناشناس باقی بمانند (Amnesty International, 1996: 2). این پدیده بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین به خصوص در پرو و کلمبیا، در مورد رسیدگی به جرم‌های مواد مخدر، شورش، تروریسم و داشتن سلاح غیرمجاز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسئله برگزاری دادرسی توسط قضات بی‌چهره، بارها مورد انتقاد شدید کمیته حقوق بشر قرار گرفت. در همین راستا، این کمیته به عنوان یک نهاد جریان‌ساز در حوزه حقوق بشر، در قضیه دیولای علیه پرو اظهار داشت که دولت پرو باید اطمینان دهد که کلیه محاکمات در جهت تحقق شفافیت قضایی و با رعایت کامل دادرسی منصفانه و علنی مندرج در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی انجام می‌شود و در این زمینه، اصرار دارد که نظام قضات بی‌چهره

لعو شود و محاکمه‌های علنی برای تمام متهمان -از جمله متهمان جرایم تروریستی- بلافاصله احیا گردد (Case of De Polay v. Peru, 1997: 8.8). کمیته حقوق بشر همچنین در پرونده‌ای که متهم در دادگاه بدوی و تجدیدنظر کلمبیا، توسط شعبه‌ای متشکل از قضات بی‌چهره و بدون تدابیر لازم برای برگزاری دادرسی علنی، محاکمه و محکوم شد، حکم به نقض حق محاکمه منصفانه و علنی مندرج در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق داد (Case of Becerra Barney v. Colombia, 2006: 7.2). کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز به تاسی و تبعیت از نظرات کمیته حقوق بشر، نظام‌های قضایی «بی‌چهره» را به عنوان محروم کننده متهم از تضمین‌های اساسی عدالت شناسایی کرده است (Report on Terrorism and Human Rights, 2002: 233). دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر نیز با توجه به ایجاد بی‌نظمی‌های مشابه در جهت تضعیف استقلال و بی‌طرفی دادگاه، با تصریح به این موضوع که یکی از مهم‌ترین معیارهای شفافیت قضایی این است که هویت قضات پرونده در فرایند دادرسی کیفری باید نمایان باشد، محاکمه توسط قضات بی‌چهره را «نقض آشکار دادرسی علنی» خوانده است که نظارت همگانی بر عملکرد قاضی و اجرای صحیح عدالت را تحت الشعاع قرار خواهد داد (Case of Castillo-Petruzzi et al. v. Perú, 1999: 172-173). در همین راستا، یکی از گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در زمینه ارتقا و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، در سال ۲۰۱۰ گزارشی از اقدامات انجام شده توسط دولت پرو برای حمایت از قربانیان جنایات تروریستی و نقض حقوق بشر تهیه نمود و در آن، ضمن عقیده بر مقابله با تروریسم، از حذف قضات بی‌چهره به عنوان نمونه‌ای از بهترین اقدامات در جهت حمایت از حق بر دادرسی علنی و شفافیت قضایی در دادگاه‌های کیفری نام برده است (Report of the Special Rapporteur, 2010: 21).

¹ - Faceless Judges

فهم، برای انتشار در یک وبسایت^۱ که دارای محتوایی بسیار غنی و پربار می‌باشد، ارائه دهند.

موضوع مهمی که در اینجا باید به آن اشاره نمود این است که یکی از مؤلفه اصلی علنی بودن حکم و ضامن تحقق شفافیت قضایی، مستدل و مستند بودن اقدامات دادگاه‌ها و الزام محاکم به شرح دلایل تصمیم‌های اتخاذی و توضیح احکام صادره می‌باشد. نظام آمریکایی حقوق بشر صراحتاً موضع خود را در خصوص فحوی و گستره تصمیمات قضایی اعلام نموده و معتقد است که تصمیم مستند و مستدل در دادرسی کیفری، تجزیه و تحلیل ماهیت یک موضوع خاص را منعکس می‌کند. بر همین اساس، این موضوع به‌عنوان یکی از الزامات اساسی علنی بودن احکام، توسط کمیسیون و دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر به‌عنوان یک عنصر جدایی‌ناپذیر در دادرسی‌های کیفری شناخته شده است. بنابراین، این دو نهاد حقوق بشری دریافته‌اند که پس از طی مراحل ارائه شواهد و ادله، محاکم ملی باید مبنایی مستدل و مستند برای تصمیمات خود ارائه نمایند و از این‌رو، قابل قبول بودن یا نبودن ادعایی را که شکایت بر اساس آن بنا شده است، تعیین کنند (Abramovich, 2007: 21).

در پایان باید توجه داشت که اگر جلسه دادگاه به دلایل منطقی و قانونی به‌صورت غیرعلنی برگزار شود اما صدور حکم به‌طور علنی صادر گردد، اتهام نقض دادرسی منصفانه از سوی دادگاه منتفی است؛ اما در مقابل، اگر برگزاری علنی جلسه دادرسی با محدودیت‌های غیراصولی مواجه گردد و محرومیت مردم و رسانه‌ها از شرکت در دادگاه به‌صورت کاملاً غیرقانونی اعمال شود، حتی صدور علنی حکم و انتشار عمومی آن نیز نمی‌تواند نقض دادرسی منصفانه به‌واسطه محرمانه بودن غیرقانونی جلسه محاکمه را توجیه نماید (Case of Artemov v. Russia, 2014: 109-110).

از دیگر سازوکارهای مرتبط با شیوه قضاوت این است که تصمیمات و احکام صادره از سوی دادگاه که منعکس‌کننده رویکرد اتخاذی از جانب قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده است، باید به‌صورت علنی صادر شود و در دسترس عموم قرار گیرد. در این راستا، آنچه که عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای برای علنی محسوب‌شدن حکم تلقی می‌گردد، قابلیت دسترسی حکم برای عموم مردم می‌باشد. به‌رغم اینکه در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر صراحتاً هیچ سخنی از لزوم علنی بودن حکم به میان نیامده است اما باین‌حال، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر به‌عنوان مرجع تفسیر حقوق مندرج در این کنوانسیون، تأکید نمود که علنی بودن حکم به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق دادرسی علنی و منصفانه، از اهمیت فراوانی برخوردار است و عدم توجه به این موضوع، ممکن است منجر به نقض حق دادرسی علنی مندرج در ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی شود (Case of Asto and Rojas v. Peru, 2005: 155). رویه و نحوه عملکرد دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر بدین شکل است که اسناد زیادی را به‌صورت آنلاین منتشر می‌کند و امکان دسترسی به رویه قضایی مانند اطلاعات دقیق در مورد فرایند دادرسی و احکام و تصمیمات این دادگاه و همچنین نظرات مشورتی، اطلاعات مربوط به ابلاغ پرونده، خلاصه‌هایی در مورد قوانین به‌کارگرفته‌شده توسط آن، در فضای مجازی بارگذاری می‌شود. در این خصوص، نظر به اینکه عدم شناخت کافی از برخی زبان‌ها ممکن است قضات، دکترین، اصحاب رسانه و عموم مردم را از هرگونه مطالعه بیشتر در مورد تصمیمات دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر منصرف کند، این دادگاه از همکاران خود دعوت می‌کند تا به منظور بهبود دسترسی و درک اصول و استانداردهای کلیدی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در سطح ملی، ترجمه رویه قضایی و احکام صادره را که عموم مردم حق استفاده از آن را دارند، با زبانی قابل

نتیجه‌گیری

دادرسی علنی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت عدالت به‌ویژه در بُعد شفافیت فرایندی، ابزار مهمی در جهت رصد و حمایت از حقوق فردی و منافع جمعی محسوب می‌گردد؛ بدین‌معنی که مردم وقتی در جریان محاکمات قرار گیرند، متوجه صحت و سقم آن خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت‌خاطری است که افراد نسبت به دستگاه قضایی پیدا می‌کنند و به وضوح می‌بینند که حکومت در عین اینکه عدالت و حقوق متهم را رعایت می‌کند، منافع و مصلحت جامعه را نیز ملاک کار قرار داده و برای احقاق آن، تمام تلاش خود را مبذول می‌دارد.

در فقه جزایی، تکلیفی در مورد برگزاری محاکمه به‌صورت علنی به صراحت پیش‌بینی نشده است و به دلیل فقدان سابقه شرعی، یک حکم ایجابی نیست. اما نباید این موضوع مهم را از نظر دور داشت که نبود سابقه شرعی ملازمه‌ای با غیرشرعی بودن نهاد دادرسی علنی ندارد بلکه مهم آن است که مصداق موجود، با اصول و مبانی اسلام تعارضی نداشته باشد؛ زیرا آیین‌ها، سازوکارها و تضمین‌های دادرسی منصفانه از نگاه اسلام مقوله‌ای ایستا و ثابت نیست، بلکه بر حسب زمان و مکان و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص، قابل تغییر و تکامل است. در واقع، حاکم اسلامی این اجازه را دارد که با توجه به اینکه در صدر اسلام بسیاری از موضوعات و نهادهای حقوقی وجود نداشته و در طی تحولات جوامع بشری به وجود آمده‌اند، در برخی مسائل اجتماعی، با در نظر گرفتن ضوابطی و با توجه به نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند. از طرفی نیز پذیرش آثار یک اصل در هر نظام دادرسی، به‌طبع پذیرش مبنای آن اصل را نیز در پی خواهد داشت. لذا وقتی فقه جزایی اصل دادرسی منصفانه را پذیرفته است، به تبع آن، اصل علنی بودن محاکمات را نیز می‌پذیرد. بنابراین، از مجموع آنچه که در این پژوهش بیان گردید می‌توان نتیجه گرفت که برگزاری محاکمات به‌صورت علنی در فقه جزایی، واجب و تکلیف نیست بلکه آنچه که

واجب است، فراهم کردن دسترسی آسان مردم برای مراجعه به قاضی و فراهم شدن شرایط آسان جهت احقاق حق می‌باشد. اما با عنایت به سیره معصومین (علیهم‌السلام) و توصیه‌های مؤکد فقها و همچنین حکم عقل و اقتضای حقوق عمومی جامعه، علنی بودن از ضروریات یک دادرسی منصفانه می‌باشد. لذا به‌رغم اینکه صحبتی از وجوب آن در میان نیست اما، با عنایت به استدلال‌های صورت‌گرفته می‌توان گفت که وجود آن در فقه جزایی مورد توصیه بوده و مشروعیت آن اثبات شده است و در صورتی که امنیت قضایی در جهت احقاق حقوق طرفین و حفظ منافع جامعه منوط به این عمل باشد، وجوب آن ظاهر می‌شود.

در نظام آمریکایی حقوق بشر، دادرسی علنی از یک‌سو دارای مفهومی کاربردی و فایده‌گرا است که هدف آن صرفاً در دسترس بودن جلسات دادگاه نیست، بلکه به‌عنوان ابزاری در جهت اطمینان از نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی و اجرای صحیح عدالت طبق قانون، شناخته می‌شود و از سوی دیگر، دارای مفهومی ترکیبی و چند وجهی می‌باشد که با فهرست قابل توجهی از سازوکارها احاطه شده و تنها در صورت رسمیت آنهاست که دادرسی علنی قابل تحقق است. این سازوکارها در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر تصریح شده و نحوه عمل هر یک از آنها نیز در جهت تحقق هرچه بهتر اهداف دادرسی علنی، در گزارش‌های کمیسیون بین‌آمریکایی حقوق بشر مشخص گردیده است. بر همین اساس، حق حضور شهروندان در جلسات دادرسی و تمهید لوازم آن مانند ارائه اطلاعات مربوط به زمان و مکان برگزاری جلسه دادرسی علنی و فراهم کردن امکانات لازم و کافی برای حضور افراد علاقه‌مند در جلسه دادگاه؛ تدارک امکان حضور رسانه‌ها در دادگاه و الزامات آن مانند تجویز عکس‌برداری و فیلم‌برداری از جلسات دادرسی و انتشار جریان آن در رسانه‌های گروهی، حضوری بودن دادرسی به واسطه دعوت از متهم و وکیل وی برای حضور در جلسه محاکمه با رعایت فاصله زمانی معقول

و فرهنگی». مجله مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۲(۳۰): ۷۲۹-۷۴۶.

- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۹). سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات مشعل دانشجو.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعه. جلد شانزدهم و هجدهم، چاپ چهارم، قم: انتشارات آل البیت (علیه السلام) لإحياء التراث.

- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. جلد سوم، چاپ اول، قم: النشر الإسلامی التابعه جماعه المدرسین.

- خالقی، علی (۱۳۸۳). «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی». مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۵(۳): ۲۹-۴۹.

- خرازی، محسن (۱۴۲۰). بدایه المعارف الالهیه. جلد اول، چاپ پنجم، قم: النشر الإسلامی التابعه جماعه المدرسین.

- راسته، مرتضی و همکاران (۱۴۰۱). «همسنگی مؤلفه‌های دادرسی علنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام دادرسی کیفری ایران». مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی شهر دانش، ۱۰(۲۰): ۲۰۹-۲۴۱.

- زمان‌زاده بهبهانی، مه‌ری و همکاران (۱۳۹۷). «واکوی جایگاه اصول دادرسی عادلانه در فقه امامیه». مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۷(۱۹): ۴۶۷-۴۹۴.

- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲). نهاد دادرسی در اسلام. جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). الوسیط فی اصول الفقه، جلد دوم، چاپ پنجم، قم: انتشارات مؤسسه الإمام الصادق (علیه السلام).

- شمس الائمہ سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۲۱). المبسوط. جلد شانزدهم، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.

برای آماده‌سازی دفاعیات و همچنین تدارک فرصت دفاع مؤثر برای متهم یا وکیل وی؛ شفاهی و توافقی بودن جلسه رسیدگی و فراهم آوردن مقتضیات آن نظیر برقراری امکان پرسش از شهود طرف مقابل و به چالش کشاندن شهادت آنها برای متهم؛ اعلان و انتشار عمومی آرای دادگاه‌ها با رعایت مستدل و مستند بودن احکام صادره؛ و سرانجام، نمایان بودن هویت قضات رسیدگی‌کننده به پرونده، موضوعاتی هستند که به‌عنوان سازوکارهای دادرسی علنی در نظام آمریکایی حقوق بشر، به رسمیت شناخته شده و به اجرا در می‌آیند.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام‌شده، حفظ اصالت متون و امانتداری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده نخست به‌عنوان نویسنده اصلی متن، و نویسنده دوم به‌عنوان همکار علمی عمل نموده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در بازخوانی و ویرایش اثر همیاری و راهنمایی داشتند، قدردانی و تشکر می‌گردد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- نهج البلاغه.

- باقرالموسوی، محسن (۱۴۱۹). القضاء و النظام القضایی عند امام علی (علیه السلام). چاپ اول، بیروت: انتشارات الغدیر.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم. چاپ دوم، قم: انتشارات دارالکتاب السلامی.

- حاجی‌پور کندرود، علی (۱۴۰۱). «موانع فراروی دادرسی علنی در نظام قضایی ایران؛ با نگاهی بر موانع فقهی، قضایی

- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام فی شرح شرایع الاسلام*. جلد سیزدهم، چاپ اول، قم: انتشارات المعارف الاسلامیه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸). *مجمع البحرین*. جلد سوم، چاپ دوم، قم: انتشارات مکتب نشر الثقافه الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. جلد هشتم، چاپ سوم، تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الأمالی*. چاپ اول، قم: انتشارات دارالثقافه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸). *مبانی فقهی کلیات قانون اساسی*. چاپ پنجم، گیلان: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.
- فاضل هندی، محمد (۱۴۱۶). *کشف اللثام عن قواعد الاحکام*. جلد دهم، چاپ اول، قم: النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۳۲). *بحار الأنوار*. جلد نهم، چاپ اول، قم: انتشارات دارالکتب اسلامیه.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: انتشارات مؤسسه اسماعیلیان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). «آداب قضاوت». *مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)*، ۳۹ و ۴۰ (۱۰): ۵۶-۹۶.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۴). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*. تحقیق حاج آقا مجتبی عراقی و همکاران، جلد دوازدهم، چاپ اول، قم: النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
- موحدی محب، مهدی (۱۳۸۸). «اجتهاد قاضی در نظام قضایی ایران». *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، ۱(۱): ۱۲۵-۱۴۵.
- مهرپور، حسین (۱۴۰۱). *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دادگستر.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). *تنبیّه الامه و تنزیه الامه (حکومت از نظر اسلام)*. چاپ نهم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۳). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد دهم و چهلم، چاپ هفتم، بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. چاپ دوم، قم: انتشارات آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۷۷). *امر به معروف و نهی از منکر*. ترجمه محمد اشتیهادی، چاپ ششم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

ب. منابع انگلیسی

- Bicskei, T & Others (2018). "Content Creators v. Judges, (How open can a courtroom be in the information age?)". *EJTN Themis Semi-Final D - Judicial Ethics and Professional Conduct*, 19(38): 1-19.
- Cavallaro, J; Louis B & Stephanie, E (2008). "Reevaluating Regional Human Rights Litigation in the Twenty-First Century: The Case of the Inter-American Court". *The American Journal of International Law*, 102(4): 9-31.
- Dadwal, L (2019). "Open Justice and Rule of Law: Indian Scenario". *International Journal of Research and Analytical Reviews*, 1(6): 901-926.
- Hall-Coates, Sh (2015). "Following Digital Media Into The Courtroom: Publicity And The Open Court Principle In The Information Age". *Dalhousie Journal of Legal Studies*, 24(24): 101-139.
- Micus, A (2015). *The Inter-American Human Rights System as a Safeguard for Justice in National Transitions*. Boston: Brill Hijhoff.
- Nicholls, J (2017). "Open justice and developments in the law on anonymity; access to

- Case of Delcourt v. Belgium, ECtHR (No.2689/65). 1970.
- Case of De Polay v. Peru, HRC (No.577/1994). 1997.
- Case of Hilaire et al. v. Trinidad and Tobago, IACtHR (Ser. C, No.94). 2002.
- Case of Ramirez v. Guatemala, IACtHR, (Series C, No.126). 2005.
- East Africa Law Reports, Case of Biffo s/o Mandirire v. R (1 EA 965, HCT). 1960.
- Habeas Corpus in Emergency Situations, (Arts. 27(2). 25 (1) and 7(6) of the American Convention on Human Rights). Advisory Opinion OC-8/87 (Series A, No.8). January 30, 1987.
- Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms While Countering Terrorism, Mission to Peru, Martin Scheinin (A/HRC/16/51/Add.3). 2010.
- Report on Terrorism and Human Rights, Prepared by the Inter-American Commission on Human Rights (OEA/Ser.L/V/II.116). 2002.
- Report on the Situation of Human Rights of a Segment of the Nicaraguan Population of Miskito Origin (OEA/Ser.L/V/II.62). 1983.
- Report on the Situation of Human Rights in Panama, The Right to Life Liberty and Personal Security, prepared by the Inter-American Commission on Human Rights, (OEA/Ser.L/V/II.44). 1978.
- Second Report on the Situation of Human Rights in Colombia, Prepared by the Inter-American Commission on Human Rights, (OEA/Ser.L/V/II.84). 1993.

material on the court file and reporting restrictions". *Doughty Street Chambers*, 95(23): 1-32.

OSCE office for Democratic Institutions and Human Rights (2012). *Legal Digest of International Fair Trial Rights*, Warsaw: Agencja Karo.

- Pasqualucci, Jo M., (2014). *The Practice and Procedure of the Inter-American Court of Human Rights*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Spigelman, J (2006). "The Principle of open justice: a comparative Perspective". *University of New South Wales Law Journal*, 66(29): 147-166.

Vitkauskas, D & Dikov, G (2017). *Protecting the right to a fair trial under the European Convention on Human Rights*. Strasbourg: Conseil of Europe.

ج. پرونده‌ها

- Amnesty International, Peru: Government Persists in Retaining Unfair Trial Procedures (No. 46/025/96). 1996.
- Abramovich, Víctor, access to justice as a guarantee of economic, social, and cultural rights: a review of the standards adopted by the inter-american system of human rights, executive summary (OEA/Ser.L/V/II.129). 2007.
- Case of Aloeboetoe v. Suriname, IACtHR (Ser. C, No.15). 1993.
- Case of Arguelles et al v. Argentina, IACtHR (Ser. C, No.12.167). Report No.135/11, Washington, D.C, 2011.
- Case of Asto and Rojas v. Peru, IACtHR (Ser. C, No.137). 2005.
- Case of Artemov v. Russi, ECtHR (No.14945/03). 2014.
- Case of Becerra Barney v. Colombia, HRC (No.1298/2004). 2006.
- Case of Castillo-Petruzzi et al. v. Perú, IACtHR (Ser. C, No.52). 1999.